فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال هفتم، شماره چهارم (پیاپی ۲۶)، زمستان ۱۳۹۷
شاپای چاپی ۲۱۳۱-۲۳۲۲ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X- ۲۵۸۸
http://serd.khu.ac.ir
صفحات ۱۸۸-۱۶۹

اثرات تأمین مالی خرد و توانمندسازی زنان روستایی در استان‌های کرمانشاه و همدان

یاسر محمدی*؛ استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.
فرشته عواطفی اکمل؛ کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.
مینا ضمیری آراسته؛ کارشناس ارشد ترویج و آموز کشاورزی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۱۰ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۶/۲۰

چکیده

هدف از این پژوهش، شناخت ابعاد توانمندسازی و اثرات صندوق‌های تأمین مالی خرد بر این ابعاد در بین زنان روستایی استانهای کرمانشاه و همدان است. روش تحقیق از نوع توصیفی-همبستگی و پارادایم غالب کمی است. جامعه آماری شامل همه زنان عضو صندوق‌های اعتبارات خرد شهرستانهای همدان و کرمانشاه است که اعتبار دریافت کرده و به روش تمام شماری پیمایش شدند. روایی ظاهری پرسشنامه توسط تعدادی از متخصصین و پایایی آن با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ به میزان بالاتر از ۰/۸ مورد تأیید قرار گرفت. تحلیل داده‌های در محیط نرم‌افزارهای IBMSPSS21 و LISREL8.5 انجام شد. نتایج مطالعه نشان داد که ابعاد توانمندسازی زنان روستایی را می‌توان در شش بعد قرار داد که این ابعاد با یکدیگر همبستگی کامل داشته و طبق نتایج تحلیل عاملی تأییدی، از اعتبار کافی برای تبیین توانمندسازی زنان روستایی برخوردار بودند. همچنین بعد "اعتماد به نفس زنان روستایی" بالاترین و بعد "توانمندی سیاسی" پائین‌ترین قدرت تبیین‌کنندگی متغیر توانمندسازی زنان روستایی را داشتند. نتیجه اثرات تأمین مالی خرد بر ابعاد توانمندسازی زنان روستایی نیز نشان داد که بطور کلی میزان اثرگذاری در حد متوسط بوده و بیشترین اثر بر ابعاد توانائی تصمیم‌گیری و اعتماد به نفس زنان روستایی است و سپس ابعاد توانمندی سیاسی، موقعیت در جامعه، توانمندی اقتصادی و موقعیت درون خانواده در رتبه‌های بعدی اثرپذیری قرار دارند. همه ابعاد شش‌گانه توانمندسازی با یکدیگر همبستگی مستقیم و معنی‌داری داشتند، لذا توانمندی در هر یک از ابعاد، با توانمندی در سایر ابعاد رابطه معنی‌داری داشت و این قدرت هم‌افزایی ابعاد توانمندسازی را نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: توانمندسازی زنان روستایی، تأمین مالی خرد، استان‌های کرمانشاه و همدان.

* y.mohammadi@basu.ac.ir

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

۱)مقدمه

امروزه در رویکردهای جدید توسعه، به جای توجه صرف به ارتقاء شاخص‌های رشد اقتصادی، تامین و تدارک فرصت‌ها و ظرفیت‌های مناسب به منظور بهبود نقش‌آفرینی گروه‌های مختلف مردم مورد توجه قرار می‌گیرید (Sanni, 2006). توسعه روستایی، به عنوان یک راهکار عملی در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و منطقه‌ای مطرح است. در بعد اقتصادی، توسعه به دنبال افزایش اشتغال، کاهش مهاجرت، افزایش درآمد و بازاریابی محصولات تولیدی کشاورزان می باشد. در بعد اجتماعی نیز توسعه مشارکت مردمی و ارتقاء موقعیت اجتماعی مردم روستایی را سبب می‌گردد و در بعد فرهنگی، هدفش گسترش فرهنگ محلی و بومی و گسترش تولیدات فرهنگی همچون صنایع دستی است (شاه ولی و ملکیان، ۱۳۹۲: ۵۲). انسان‌ها مهم‌ترین عامل توسعه‌اند و در این میان زنان نیمی از منابع انسانی هر جامعه ای را تشکیل می‌دهند. بنابراین برنامه‌ریزی اصولی برای آن‌ها باید از بنیادهای مهم هر جامعه‌ای باشد، به ویژه اینکه درنظر گرفتن این جمعیت، چه به عنوان تولیدکننده، چه به عنوان خدمت‌رسان و یا حتی مصرف‌کننده، در تعادل و توازن توسعه نقش اساسی دارد (روشن نیا و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۴). زنان روستایی، مولد ۸۰ درصد از مواد غذایی و سرپرستی حدود ۳۰ درصد از خانوارهای روستایی را برعهده دارند (سواری و همکاران، ۱۳۹۶).

در حال حاضر، راهبردهای مختلف توسعه بر مشارکت مردمی به طور اعم و مشارکت زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه به طور اخص، به عنوان تضمین موفقیت هر نوع برنامه توسعه‌ای تأکید می‌کند. براین مبنا بود که برنامه‌های تأمین مالی خرد با هدف بهبود وضعیت اقتصادی، کاهش بیکاری و بوجودآوردن اشتغال به صورت خوداشتغالی و کارآفرینی، محو نابرابریهای اجتماعی و کاهش فقر در مناطق شهری و روستایی وهمچنین افزایش مشارکت زنان در بازار کار در بسیاری از کشورهای دنیا اتخاذ شد (کیخاه و همکارن، ۱۳۹۴: ۱).

با توجه به اینکه عمده‌ترین مشکل زنان روستایی، مشکل مالی است، سازمان‌های مختلف دولتی و غیر دولتی، تأمین مالی با شرایط آسان را برای توانمندسازی این گروه در صدر وظایف خود قرار داده‌اند (سامیان، ۱۳۹۵: ۵۰). این نوع تأمین مالی خرد به عنوان راهبردی در توسعه به شمار می‌رود که هدف آن دسترسی زنان و مردم کم درآمد به منابع اعتباری است تا به موجب آن توانایی بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنان را افزایش دهد. چنین وام‌هایی راهبرد مناسب برای اعطای خدمات مالی پایدار به زنان روستایی و بهبود شرایط آنان در خانواده است(Swaminathan, 2010: 2). تأمین مالی خرد، به‌عنوان راهبردی برای برون رفت از فقر در فضاهای روستایی در دهه ۱۹۷۰ مورد توجه بسیاری از کشورهای آسیایی به ویژه کشورهای جنوب و جنوب شرق قرار گرفت (عزیزپور و خداکرمی، ۱۳۹۴). بومن ۱۹۹۷

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

معتقد است که تأمین مالی خرد با سه ویژگی کوچک، کوتاه، بدون وثیقه تعریف می‌شود. به عبارت دیگر تأمین مالی خرد به معنای ارائه وام‌هایی با مبلغ کم بدون وثیقه به افراد کم درآمد است که این افراد در زمانی کوتاه مبلغ یاد شده را باز پرداخت کنند (فقیری و همکاران، ۱۳۹۳).

تأمین مالی خرد در ابتدا شاید یک فرآیند اقتصادی در نظر گرفته شود، اما از آن جا که مشارکت گروهی خود اعضا، تشکیل دهنده‌ی شبکه‌ایی اجتماعی است که پرداخت وام را بدون ضامن وثیقه انجام می‌دهد، به فرآیندی اجتماعی تبدیل می‌شود (رحمانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۰۶). تاسیس صندوق‌های تأمین مالی خرد می‌تواند در راستای توانمندسازی زنان نقش موثری ایفا کند. همچنین، نظام ارتباطی و اطلاعاتی مناسب عاملی است که تحقق توانمندسازی را تسهیل می‌کند (شاه ولی و ملکیان، ۱۳۹۲: ۱۸۸).

توانمندسازی فرایندی است که طی آن، زنان نه تنها کنترل زندگی خود را به دست می‌گیرند، بلکه توانایی مشارکت در جامعه و درک انتقادی از محیط پیرامون خود را نیز کسب می‌کنند (علی توکلی و موحدی، ۱۳۹۵: ۴۲). طرح تأمین مالی خرد، یکی از عمومی‌ترین راه‌های توانمندسازی اقتصادی در سراسر دنیا است و زنان را قادر می‌کند به وسیله افزایش درآمد، دسترسی به بازار اطلاعات، قدرت تصمیم‌گیری خود را افزایش دهند تا عامل تغییر اقتصادی باشند (شاهرخی ساردو و کرمی، ۱۳۹۵: ۱۸۹). از آنچه که تاکنون گفته شد می‌توان به این مهم دست یافت که یکی از مهمترین رسالتهای صندوق اعتبارات خرد، توانمندسازی زنان روستایی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی، سیاسی، قانونی و روانشناختی است (زرافشانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۷).

با توجه به مطالب فوق اهمیت صندوق اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی بر کسی پوشیده نیست. این ادعا را می‌توان در مطالعات پیشین مشاهده کرد. اما شواهد حاکی از آنست که ابعاد توانمندسازی بخوبی مورد مطالعه قرار نگرفته و اثر تأمین مالی خرد بر این ابعاد توانمندسازی و مقایسه آنها با یکدیگر بوضوح مطالعه نشده است. بنابراین پژوهش حاضر با هدف شناخت ابعاد توانمندسازی و مطالعه اثر تأمین مالی خرد بر میزان بهبود این ابعاد در بین زنان روستایی استان‌های کرمانشاه و همدان انجام شده است.

۲) مبانی نظری

تأمین مالی خرد بطور گسترده‌ای به عنوان یک رویکرد مهم توسعه جهت کاهش فقر، بهبود رفاه خانوار و توانمندسازی زنان روستایی شناخته می‌شود (Al-Shami et all, 2017). اکثر موسسات تأمین مالی خرد مانند صندوق‌های تأمین مالی خرد، زنان را هدف برنامه‌های اعتباری خود قرار داده‌اند چون بیشتر افراد فقیر در

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

دنیا قشر زنان هستند که تحت تأثیر و کنترل مردان قرار دارند (Kabeer, 2012).نظام تأمین مالی خرد یکی از راهکارهای مطرح شده در دو دهه اخیر به منظور تسریع فرآیند سرمایه‌گذاری و تقویت بنیادهای مالی و پس‌انداز در مناطق روستایی و نهایتاً توانمندسازی جوامع روستایی و فقرزدایی از طریق ارتقا بهره‌وری با تأکید بر به کارگیری اعتبارات خرد بوده است (Mathison, 2003).در مجموع دو دیدگاه متفاوت در خصوص نقش تأمین مالی خرد در توانمندسازی زنان روستایی وجود دارد. در دیدگاه اول، بسیاری از صاحب نظران معتقدند که فراهم ساختن اعتبارات خرد برای زنان فقیر موجب برقراری توازن و تعادل اجتماعی می‌شود. طرفداران این دیدگاه معتقدند که تأمین مالی خرد نه تنها موجب بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی زنان می‌گردد بلکه روابط جنسیتی موجود در جامعه را نیز بهبود می‌بخشد.

طرفداران دیدگاه دوم بر این عقیده‌اند که اگر چه افزایش اندک درآمد و دارایی می‌تواند موجب رفاه و امنیت اقتصادی زنان شود، اما این افزایش اندک تأثیر ناچیزی بر روابط اقتصادی و اجتماعی دارد و لذا دسترسی به تأمین مالی خرد تنها می تواند ابزار مؤثری برای ورود زنان به مسیر توانمندی باشد(Myox,1997).در تایید این ادعا می‌توان به مطالعات انجام گرفته در مورد نقش صندوق تأمین مالی خرد بر توانمندسازی زنان اشاره نمود:

رحمانی و همکاران طی پژوهشی به بررسی اثرات مثبت و منفی اعطای اعتبارات خرد بر ابعاد مختلف توانمندسازی زنان روستا شامل چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، روانی و فرهنگی توانمندسازی زنان پرداختند که نتایج آنان نشان داد که حضور فعال در شبکه‌های واگذاری اعتبارات خرد، بر افزایش توانمندی اجتماعی، اقتصادی و روانی تاثیر داشته، اما نتوانسته است بر توانمندی فرهنگی زنان تاثیری معنی‌داری داشته باشد. نتایج پژوهش فقیری و همکاران نشان داد که صندوق‌های اعتبارات خرد استان کرمانشاه در حد متوسط اثربخش است. همچنین، واکاوی داده‌ها نشان داد که اعضای صندوق اعتبارات خرد نسبت به زنان غیرعضو از ابعاد مختلف در سطح بالاتری از توانمندی قرار دارند.

نتایج مطالعه نورایی و سعدی نیز نشان داد که شاخص‌های توانمندی‌های اقتصادی زنان از جمله جمله قدرت تصمیم‌گیری، درآمد، پس‌انداز، هزینه‌های مصرف، داراییها و ... ۲۰/۴۷ درصد، و شاخص‌های توانمندی اجتماعی زنان از جمله قدرت تصمیم‌گیری زنان، روحیه کار و تلاش آنان، خود باوری ۱۹/۵۱ درصد و شاخصهای توانمندیهای آموزشی (فرهنگی) همچون آشنایی با کسب و کار جدید، استفاده از نشریات ترویجی و ارتباط با کارشناسان ۱۱/۰۲ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند.

بر اساس نتایج پژوهش سامیان و همکاران مهم‌ترین اثرات صندوق‌های خرد زنان روستایی شامل پنج اثر کلی هستند که این پنج اثر به ترتیب تغییرات واریانس عبارتند از: مسایل اقتصادی و انگیزشی، کاهش آسیب-های اجتماعی، رضایت‌مندی، توانمندسازی اشتغال و توسعه سرمایه گذاری.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

میسون و اسمیت[1] در پژوهشی تحت عنوان "توانمندسازی زنان در سطح اجتماعات با بررسی ۵۶ اجتماع در پاکستان، هند، مالزی، تایلند، و فیلیپین به این نتیجه رسیدند که توانمندسازی درون و از طریق اجتماع، از توانمندسازی به طور فردی موثرتر است. پروت طی یک مطالعه، حقوق زنان روستایی را در ۱۴مورد دسته بندی کردکه یکی ازآنها دسترسی زنان روستا به اعتبارت خرد است.

فازورانتی[2] (۲۰۱۰) طی مطالعه خود در نیجریه به این نتیجه رسیده است که برنامه اعتبار خرد، آثار مثبتی روی شاخصهای اقتصادی خانوار مثل درآمد، پس‌انداز، هزینه‌های مصرف و کسب سرمایه داشته است و شروع برنامه در مناطق مورد مطالعه موجب بهبودی قابل توجهی دراستانداردهای زندگی افراد شده است.

گاریکیپات[3] (۲۰۱۲) به تجزیه تحلیل ارتباط بین اعتبارت کوچک و توانمندی زنان پرداخت. وام‌هایی که زنان می‌گیرند معمولا بر افزایش مالکیت مردان و دارایی‌های خانواده استفاده می‌شود و زن‌هایی که کنترل این منابع مالی در دست خودشان است قادر به خوداشتغالی و افزایش توانمندی خود هستند. ورم[4] (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای تحت عنوان "جنسیت، کشاورزی و توسعه پایدار در هند: به حاشیه راندن زنان یا توانمندسازی" محدودیت‌های زنان روستایی را عمدتا موانع ساختاری، تحرک و کاهش فضای اجتماعی برشمرد. خلاصه نتایج مطالعات پیشین در جدول زیر قابل مشاهده است (جدول ۱).

جدول شماره(۱) خلاصه نتایج مطالعات پیشین در مورد اثرات تأمین مالی خرد بر توانمندسازی و ابعاد۶گانه آن

ابعاد مورد مطالعه	نقش تأمین مالی خرد بر توانمندسازی و ابعاد آن						
محققین	توانمندی اقتصادی	اعتماد به نفس	توان تصمیم‌گیری	روابط درون خانواده	موقعیت اجتماعی	توانمندی سیاسی	توانمندسازی کل
رحمانی و همکاران (۱۳۸۷)	+	ذ. ن	ذ. ن	ذ. ن	+	ذ. ن	ذ. ن
فقیری و همکاران (۱۳۹۱)	ذ. ن	ذ. ن	ذ. ن	ذ. ن	ذ. ن	ذ. ن	+
نورایی و سعدی (۱۳۹۳)	+	ذ. ن	+	+	+	ذ. ن	+
سامیان و همکاران (۱۳۹۵)	+	ذ. ن	ذ. ن	ذ. ن	+	+	ذ. ن
فاسورانتی (۲۰۱۰)	+	ذ. ن	ذ. ن	ذ. ن	ذ. ن	ذ. ن	+
سودا رانی و همکاران (۲۰۰۲)	+	+			+	+	+
گاریک پاتیک (۲۰۱۲)	+	ذ. ن	ذ. ن	ذ. ن	ذ. ن	ذ. ن	+
لاووری و همکاران، (۲۰۱۴)	+		+				+
گانله و همکاران (۲۰۱۵)	+	+	+	+	+	+	ذ. ن

نکته: + (اثر مثبت)؛ - (اثر معکوس)؛ ذ.ن (ذکر نشده)

[1] Mason & Smith
[2] Fasoranti
[3] Garikipat
[4] Werm

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

۳) روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کمی و از نظر روش‌شناسی از نوع توصیفی-همبستگی است. با توجه به هدف، در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار می گیرد. جامعه آماری این مطالعه زنان عضو صندوق‌های خرد شهرستانهای همدان و کرمانشاه بودند که موفق به دریافت اعتبار از این صندوق‌ها شده بودند و به روش تمام‌شماری انتخاب گردیدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق‌ساخته بود که روایی محتوایی آن توسط تعدادی از متخصصین در حوزه توسعه روستایی و تأمین مالی خرد بررسی و پایایی آن نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ سنجیده شد که بالاتر از ۰/۸ بوده و نشان‌هنده پایایی مناسب پرسشنامه بود. برای تعیین اثرات تأمین مالی خرد بر توانمندسازی زنان روستایی و ابعاد شش‌گانه آن، این اثرات در قالب یک مقیاس با طیف پنج نقطه‌ای لیکرت شامل، اصلاً (۰)، خیلی کم (۱)، کم (۲)، متوسط (۳)، زیاد (۴) و خیلی زیاد (۵) از پاسخگویان پرسیده شد. در تحقیق حاضر برای رتبه‌بندی ابعاد توانمندسازی از نظر میزان تأثیرپذیری از منابع مالی خرد دریافت‌شده از ضریب تغییرات و برای تحلیل روابط بین ابعاد توانمندسازی از آزمونهای ضریب همبستگی در محیط نرم‌افزار IBMSPSS نسخه۲۱ استفاده گردیده است. همچنین برای اعتبارسنجی و برازش مدل ابعاد توانمندسازی از تحلیل عاملی تأییدی در محیط نرم‌افزار LISREL8.5 استفاده شد.

۴) یافته‌های تحقیق

طبق اطلاعات بدست آمده از این پژوهش، از مجموع ۱۴۱ زن عضو صندوق‌های تأمین مالی خرد، ۸۰ نفر (۵۶/۷ درصد) عضو صندوق‌های شهرستان کرمانشاه و ۶۱ نفر (۴۳/۳ درصد) عضو صندوق‌های شهرستان همدان بودند. میانگین سنی گروه مورد مطالعه، ۳۴/۵ سال بود. کم سن‌ترین عضو صندوق ۱۶ و مسن‌ترین آنها نیز ۵۶ سال داشت. بیشترین درصد افراد نیز در رده سنی ۳۱ تا ۵۰ سال قرار داشتند. بیشتر افراد مورد مطالعه دارای تحصیلات ابتدائی و متاهل بودند که با همسر خود زندگی می‌کردند. میانگین تعداد اعضای خانواده، حدود ۴ نفر و خانواده‌های ۵ نفره بیشترین فراوانی را داشتند. شغل بیشتر زنان روستایی (۷۸/۲ درصد) خانه‌داری و شغل همسر بیشتر آنها(۴۷/۸) کارگری و شغل آزاد بود. درآمد ماهیانه بیشتر افراد کمتر از ۵۰۰ هزارتومان و میانگین درآمد ماهیانه آنها حدود ۵۳۰ هزارتومان بود. منبع درآمد بیشتر زنان(۶۱/۲ درصد)، از درآمد همسرانشان بوده؛ هرچند که حدود ۳۰ درصد از آنها نیز درآمد مستقل داشتند. در صورتیکه قبل از عضویت در صندوق، تنها ۱۸ درصد دارای منبع درآمد مستقل بودند و ۶۸ درصد آنها وابسته به درآمد همسرانشان بودند. حدود ۵۸ درصد از زنان عضو صندوق در دوره‌های مهارت‌آموزی شرکت نکرده بودند و ۴۲ درصد نیز در این دوره‌ها حضور یافته بودند. کمترین و بیشترین میزان اعتبار دریافتی نیز به ترتیب ۵۰۰ و ۷۰۰ هزارتومان بود که اکثریت افراد ۵۰۰

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

هزارتومان اعتبار خرد دریافت کرده بودند و حدود ۵۷ درصد از آنها میزان این اعتبار را کافی نمی‌دانستند اما اکثریت(۹۱/۶ درصد) از دوره بازپرداخت این اعتبارات رضایت داشتند (جدول ۲).

جدول شماره (۲) توزیع فراوانی زنان روستایی دریافت‌کننده اعتبارات خرد بر حسب طبقه اکثریت

نام متغیر	طبقه اکثریت	فراوانی	درصد
سن	۳۱ تا ۵۰ سال	۷۴	۵۷/۸
تحصیلات خود فرد	ابتدایی	۵۱	۳۷/۰
تحصیلات همسر فرد	ابتدایی	۴۴	۳۸/۳
وضعیت تاهل	متاهل	۱۱۴	۸۱/۴
تعداد اعضای خانواده	۵	۴۱	۳۰/۴
وضعیت اشتغال	خانه دار	۹۳	۷۸/۲
وضعیت اشتغال همسر	شغل آزاد و کارگری	۵۲	۴۷/۸
میزان درآمد ماهیانه	کم تر از ۵۰۰ هزار	۶۲	۵۵/۹
منبع درآمد	همسر	۸۵	۶۱/۲
منبع درآمد قبل از عضویت صندوق	همسر	۹۵	۶۷/۹
شرکت در کلاس‌های مهارت آموزی	خیر	۸۲	۵۸/۲
میزان وام دریافتی	۵۰۰ هزار تومان	۱۰۶	۷۶/۸
کفایت وام دریافتی	کم	۷۹	۵۷/۲
رضایت از دوره بازپرداخت	بلی	۱۲۰	۹۱/۶

توانائی تصمیم‌گیری زنان روستایی و تأثیرگذاری بر تصمیم‌های درون خانواده در قالب ده گویه یا مؤلفه مورد سنجش قرار گرفت که با توجه به میزان تأثیرپذیری از تأمین مالی خرد از ۱ تا ۱۰ رتبه‌بندی شدند. نتایج مطالعه نشان داد که در بین گویه‌های معرف توانائی تصمیم‌گیری زنان روستایی درون خانواده بیشترین تأثیر تأمین مالی خرد بر "خرید احتیاجات روزمره خانه مانند خوردنی‌ها " است و پس از آن بر "رای دادن به فرد مورد نظر در انتخابات " و "دخل و خرج خانه و مدیریت پول در خانه" به ترتیب با ضریب تغییرات ۰/۳۰۷، ۰/۳۲۵و ۰/۳۳۱ است. کمترین تأثیر منابع مالی خرد نیز بر تصمیماتی در مورد "خرید و فروش ملک و املاک خانواده مثل زمین " و" ادامه تحصیل دختران تا مراحل عالی دانشگاهی" به ترتیب با ضریب تغییرات ۰/۴۰۴ و ۰/۴۰۶ است (جدول۳).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

جدول شماره(۳) اثرات تأمین مالی خرد بر توانائی تصمیم‌گیری زنان و اثرگذاری بر تصمیم‌های درون خانواده

اثر بر توانائی تصمیم‌گیری در موارد زیر	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	رتبه
برنامه‌های خانواده مانند گردش رفتن، مهمانی دادن	۳/۷۰	۱/۳۵	۰/۳۶۵	۷
ازدواج فرزندان و آینده آنها	۳/۸۸	۱/۴۰	۰/۳۶۱	۶
خرید و فروش ملک و املاک خانواده مثل زمین و...	۳/۷۱	۱/۵۰	۰/۴۰۴	۹
خرید احتیاجات روزمره خانه مانند خوردنی‌ها	۴/۲۷	۱/۳۱	۰/۳۰۷	۱
ادامه تحصیل دختران تا مراحل عالی دانشگاهی	۳/۷۴	۱/۵۲	۰/۴۰۶	۱۰
دخل و خرج خانه و مدیریت پول در خانه	۴/۰۵	۱/۳۴	۰/۳۳۱	۳
نحوه خرج درآمد شخصی حاصل از شغل خودتان	۴/۰۵	۱/۴۴	۰/۳۵۶	۵
پس انداز شخصی خودتان	۴/۱۴	۱/۴۱	۰/۳۴۱	۴
رأی دادن به فردی در انتخابات	۴/۲۸	۱/۳۹	۰/۳۲۵	۲
مشارکت زنان در برنامه‌ها و عضویت درنهادهای جامعه	۳/۸۷	۱/۴۴	۰/۳۷۲	۸

دامنه متغیرها: اصلاً (۰)، خیلی کم (۱)، کم (۲)، متوسط (۳)، زیاد (۴) و خیلی زیاد (۵)

اعتماد به نفس زنان روستایی نیز با توجه به میزان تأثیرپذیری از منابع مالی خرد از ۱ تا ۵ رتبه‌بندی شدند. نتایج مطالعه نشان داد که در بین گویه‌های معرف اعتماد به نفس زنان روستایی، تأمین مالی خرد بیشترین تأثیر را بر " افزایش دانش و اطلاعات زنان روستایی نسبت به کسب و کارشان" با ضریب تغییرات ۰/۲۷۸ داشته و پس از آن " افزایش توانایی در کمک به خود و دیگران " با ضریب تغییرات ۰/۲۸۱ بیشترین تأثیرپذیری را داشته است. بطور کلی با توجه به اینکه میانگین همه گویه‌های معرف اعتماد به نفس زنان روستایی بالاتر از ۴ بودند، لذا نتایج حاکی از آن است که تأمین مالی خرد اثر زیادی بر تمامی جنبه‌های اعتماد به نفس زنان روستایی داشته است (جدول۴).

جدول شماره(۴) اثرات تأمین مالی خرد بر اعتماد به نفس زنان روستایی

اثر بر اعتماد به نفس زنان روستایی در موارد زیر	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	رتبه
افزایش اعتماد به نفس فردی	۴/۱۴	۱/۲۵	۰/۳۰۲	۵
افزایش عزت نفس	۴/۲۹	۱/۲۳	۰/۲۸۷	۳
افزایش اعتماد به توانائی‌های فردی	۴/۲۵	۱/۲۵	۰/۲۹۴	۴
افزایش دانش و اطلاعات نسبت به کسب وکار خود	۴/۲۵	۱/۱۸	۰/۲۷۸	۱
افزایش توانایی در کمک به خود و دیگران	۴/۱۳	۱/۱۶	۰/۲۸۱	۲

دامنه متغیرها: اصلاً (۰)، خیلی کم (۱)، کم (۲)، متوسط (۳)، زیاد (۴) و خیلی زیاد (۵)

موقعیت زنان روستایی درون خانواده و روابط با همسر به عنوان سومین بعد توانمندسازی نیز با توجه به میزان تأثیرپذیری از منابع مالی خرد از ۱ تا ۹ رتبه‌بندی شدند. نتایج مطالعه نشان داد که در بین گویه‌های

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

معرف موقعیت زنان روستایی درون خانواده و روابط با همسر، تأمین مالی خرد بیشترین تأثیر را بر " ابراز عقیده آسان زنان روستایی درون خانواده و بیان حقوق‌شان" با ضریب تغییرات ۰/۴۱۱ داشته و پس از آن "حق انتخاب شغل و درآمد مستقل" و " ستایش توانائی‌های اقتصادی زنان توسط همسر" به ترتیب با ضریب تغییرات ۰/۴۳۵ و ۰/۴۳۶ بیشترین تأثیرپذیری را از تامین مالی خرد داشته‌اند. کمترین میزان اثرگذاری منابع مالی خرد نیز به ترتیب بر " فقدان محدودیت در رفت‌وآمدهای خارج از خانه از جانب همسر" و برخورداری از " موقعیت یکسان در درون خانواده همانند همسر" بوده است. بطور کلی با توجه به اینکه میانگین همه گویه‌های معرف موقعیت زنان روستایی درون خانواده و روابط با همسر بالاتر از ۳ و کمتر از۴ بودند، لذا نتایج حاکی از آن است که تأمین مالی خرد اثر متوسطی بر تمامی جنبه‌های موقعیت زنان روستایی درون خانواده و روابط با همسر آنها داشته است (جدول۵).

جدول شماره(۵) اثرات تأمین مالی خرد بر موقعیت زنان روستایی درون خانواده و روابط با همسر

اثر بر موقعیت زنان روستایی درون خانواده و روابط با همسر	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	رتبه
موقعیت یکسان در درون خانواده همانند همسر	۳/۳۱	۱/۵۷	۰/۴۷۴	۸
ابراز عقیده آسان زنان درون خانواده و بیان حقوق خود	۳/۷۰	۱/۵۲	۰/۴۱۱	۱
فقدان محدودیت در رفت‌وآمدهای خارج از خانه از جانب همسر	۳/۲۳	۱/۷۱	۰/۵۲۹	۹
حق کارکردن و انتخاب شغل برای زنان	۳/۶۹	۱/۶۲	۰/۴۳۹	۴
حق انتخاب شغل و درآمد مستقل	۳/۹۱	۱/۷۰	۰/۴۳۵	۲
ستایش توانائی‌های اقتصادی زنان روستایی توسط همسرشان	۳/۸۱	۱/۶۶	۰/۴۳۶	۳
بهبود روابط بین زنان و همسرشان	۳/۵۹	۱/۶۶	۰/۴۶۲	۵
کاهش درگیری های زنان با همسرشان	۳/۵۱	۱/۶۵	۰/۴۷۰	۶
احترام و توجه بیشتر همسر به زنان	۳/۶۳	۱/۷۲	۰/۴۷۳	۷

نتایج مطالعه نشان داد که در بین گویه‌های معرف موقعیت زنان روستایی در جامعه، تأمین مالی خرد بیشترین تأثیر را بر " ارزشمندشدن دیدگاه‌های زنان روستایی در جامعه" با ضریب تغییرات ۰/۳۳۹ و پس از آن بر " باور جامعه نسبت به توانائی‌های زنان روستایی" با ضریب تغییرات ۰/۳۴۲ داشته است. کمترین میزان اثرگذاری منابع مالی خرد نیز بر " برخورداری اعتبار از سوی کسبه بدون توجه به موقعیت همسر" بوده است. بطور کلی با توجه به اینکه میانگین همه گویه‌های معرف موقعیت زنان روستایی در جامعه نیز بالاتر از ۳ و کمتر از۴ بودند، لذا نتایج حاکی از آن است که تأمین مالی خرد اثر متوسطی بر تمامی جنبه‌های موقعیت زنان روستایی درون جامعه داشته است (جدول۶).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

جدول شماره(۶) اثرات تأمین مالی خرد بر موقعیت زنان روستایی در جامعه

اثر بر موقعیت زنان روستایی در جامعه	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	رتبه
احترام بیشتر زنان روستایی در جامعه	۳/۸۷	۱/۴۴	۰/۳۷۲	۴
ارزشمند شدن دیدگاه‌های زنان روستایی در جامعه	۳/۹۲	۱/۳۳	۰/۳۳۹	۱
بهبود دیدگاه جامعه نسبت به زنان روستایی	۳/۸۰	۱/۳۳	۰/۳۵۰	۳
باور جامعه نسبت به توانائی‌های زنان روستایی	۳/۸۳	۱/۳۱	۰/۳۴۲	۲
برخورداری اعتبار از سوی کسبه بدون توجه به موقعیت همسر	۳/۴۲	۱/۴۶	۰/۴۲۷	۵

دامنه متغیرها: اصلاً (۰)، خیلی کم (۱)، کم (۲)، متوسط (۳)، زیاد (۴) و خیلی زیاد (۵)

نتایج مطالعه نشان داد که در بین گویه‌های معرف توانمندی سیاسی و حقوق زنان روستایی، تأمین مالی خرد بیشترین تأثیر را بر " آشنایی بیشتر زنان به حق و حقوق خودشان در جامعه" با ضریب تغییرات ۰/۳۳۰ و پس از آن بر " افزایش قدرت مدیریت و رهبری زنان روستایی" با ضریب تغییرات ۰/۳۳۴ داشته است. کمترین میزان اثرگذاری منابع مالی خرد نیز بر " افزایش دانش و آگاهی سیاسی زنان روستایی" بوده است. بطور کلی با توجه به اینکه میانگین همه گویه‌های معرف توانمندی سیاسی و حقوق زنان روستایی نیز بالاتر از ۳ و کمتر از۴ بودند، لذا نتایج حاکی از آن است که تأمین مالی خرد بر تمامی جنبه‌های توانمندی سیاسی و حقوق زنان روستایی، اثر متوسطی داشته است (جدول۷).

جدول شماره (۷) اثرات تأمین مالی خرد بر توانمندی سیاسی و حقوق زنان روستایی

اثر بر توانمندی سیاسی و حقوق زنان روستایی	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	رتبه
افزایش دانش و آگاهی سیاسی زنان روستایی	۳/۲۷	۱/۵۲	۰/۴۶۵	۴
آشنایی بیشتر زنان به حق و حقوق خود در جامعه	۳/۷۶	۱/۲۴	۰/۳۳۰	۱
افزایش قدرت مدیریت و رهبری زنان روستایی	۳/۸۳	۱/۲۸	۰/۳۳۴	۲
توانایی قبول مسئولیت در جامعه مانند دهیار و شورای روستا	۳/۴۰	۱/۵۲	۰/۴۴۷	۳

دامنه متغیرها: اصلاً (۰)، خیلی کم (۱)، کم (۲)، متوسط (۳)، زیاد (۴) و خیلی زیاد (۵)

توانمندی اقتصادی زنان روستایی به عنوان ششمین و آخرین بعد از توانمندسازی زنان روستایی با توجه به میزان تأثیرپذیری از منابع مالی خرد از ۱ تا ۹ رتبه‌بندی شدند. نتایج مطالعه نشان داد که در بین گویه‌های معرف توانمندی اقتصادی زنان روستایی، تأمین مالی خرد بیشترین تأثیر را بر " توانایی بازپرداخت راحت اقساط وام‌های دریافتی" با ضریب تغییرات ۰/۳۵۸ و پس از آن بر "بهبود موقعیت اقتصادی نسبت به زنانی غیرعضو صندوق" و " کمک مالی زنان به خانواده و همسرشان" به ترتیب با ضریب تغییرات ۰/۳۸۰ و ۰/۳۹۱ داشته است. کمترین میزان اثرگذاری منابع مالی خرد نیز بر " خرید

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

ملک و املاک با درآمد حاصل از وام و کسب و کار ایجادشده" و " توانایی قرض‌دادن پول به دیگران" بوده است که نشان‌دهنده بهبود اندک اقتصادی زنان روستایی نسبت به قبل است زیرا دو مورد مذکور به ترتیب با میانگین های ۲/۴۹ و ۲/۷۲ که پائین تر از حد متوسط (مقدار۳) بودند نشان دادند که میزان اثرگذاری تأمین مالی خرد در این دو مورد حتی کمتر از حد متوسط بوده است. سایر گویه‌های معرف توانمندسازی اقتصادی زنان نیز بالاتر از ۳ و کمتر از۴ بودند که حاکی از اثرگذاری متوسط تأمین مالی خرد بر این جنبه‌های توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی است (جدول ۸).

جدول شماره(۸)اثرات تأمین مالی خرد بر توانمندی اقتصادی زنان روستایی

اثر بر توانمندی اقتصادی زنان روستایی	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	رتبه
افزایش میزان درآمد شخصی	۳/۳۹	۱/۴۸	۰/۴۳۷	۵
کمک مالی زنان به خانواده و همسرشان	۳/۵۰	۱/۳۷	۰/۳۹۱	۳
صاحب کسب و کار مستقل فردی شدن	۳/۳۸	۱/۴۸	۰/۴۳۸	۶
افزایش قدرت خرید زنان روستایی	۳/۴۹	۱/۴۴	۰/۴۱۳	۴
توانایی بازپرداخت راحت اقساط وام‌های دریافتی	۳/۶۶	۱/۳۱	۰/۳۵۸	۱
بهبود موقعیت اقتصادی نسبت به زنانی که عضو صندوق نیستند	۳/۶۸	۱/۴۰	۰/۳۸۰	۲
خرید ملک و املاک با درآمد حاصل از وام و کسب و کار ایجاد شده	۲/۴۹	۱/۶۲	۰/۶۵۱	۹
توانایی قرض‌دادن پول به دیگران با سود حاصله از کسب و کار ایجاد شده	۲/۷۲	۱/۵۲	۰/۵۵۹	۸
داشتن پس انداز مستقل شخصی	۳/۰۹	۱/۵۸	۰/۵۱۱	۷

دامنه متغیرها: اصلاً (۰)، خیلی کم (۱)، کم (۲)، متوسط (۳)، زیاد (۴) و خیلی زیاد (۵)

با توجه به اینکه ابعاد شش‌گانه توانمندسازی زنان روستایی از نتایج مطالعات پیشین بدست آمده است لذا برای تأیید و اعتبارسنجی این ابعاد در تبیین متغیر نهایی توانمندسازی زنان روستایی از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. شاخص های برازش مدل نشان داد که با توجه به مقدار RMSEA که ۰/۰۴۳ بود (کمتر از ۰/۰۸ برازش مناسب)، مدل بخوبی برازش یافته و از اعتبار کافی برخوردار است. به‌عبارتی مدل توانمندسازی با توجه به ابعاد شش گانه خود مورد تایید قرار گرفت و نشان داد که این ابعاد بخوبی می تواند مدل توانمندسازی را تبیین کند.

بر اساس تخمین‌های مربوط به پارامترهای مدل اندازه‌گیری توانمندسازی زنان روستایی نیز همه روابط بین متغیرهای آشکار (ابعاد توانمندسازی) و متغیر نهفته (توانمندسازی کل) با توجه به مقادیر بارعاملی و مقادیر t معنادار شدند (مقادیر t value بالای ۱/۹۶- و ۱/۹۶+). این یعنی اینکه شش بعد توانمندسازی به عنوان شش متغیر آشکار، بخویی متغیر پنهان توانمندسازی زنان روستایی را تبیین می‌نماید. با توجه به هم جهت بودن همه رابطه های بین متغیرهای آشکار با متغیر نهفته، لذا همه روابط همسو و مستقیم هستند. با توجه به میزان بارهای عاملی استاندارد شده نیز بعد" اعتماد به نفس (AN)"،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

با بارعاملی ۰/۸۸، معتبرترین شاخص برای اندازه‌گیری توانمندسازی است. به عبارتی مهمترین بعد تبیین کننده توانمندسازی در این مطالعه، بعد اعتماد به نفس بوده و پس از آن ابعاد موقعیت زنان درون جامعه (MJ)، توانایی تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری بر تصمیم‌های درون خانواده (TT)، موقعیت درون خانواده و روابط با همسر(MD)، توانمندی اقتصادی (TA) و توانمندی سیاسی (TS)، با بارهای عاملی ۰/۷۸، ۰/۶۹، ۰/۶۶، ۰/۶۳، ۰/۶۲، به ترتیب معتبرترین متغیرها جهت اندازه گیری توانمندسازی زنان روستایی شناخته شدند. میزان خطای استاندارد نیز نشان داد که میزان دقت در برآورد متغیر نهفته توانمندسازی زنان روستایی توسط شش متغیر آشکار مربوطه بسیار بالاست. نتایج همچنین نشان می دهد که با توجه به مقادیر مجذور همبستگی چندگانه (R^2) که بیانگر اعتماد یا پایایی شاخص هاست، شاخص‌های آشکار از پایایی قابل قبولی برخوردار بودند. طبق نتایج، پایاترین شاخص برای اندازه‌گیری متغیر توانمندسازی، متغیر " اعتماد به نفس (AN)"، بود که ۷۷ درصد از واریانس متغیر نهفته توانمندسازی را تبیین نمود. کمترین پایایی نیز مربوط به متغیر " توانمندی سیاسی (TS)" بود که ۳۸ درصد از واریانس متغیر توانمندسازی را تبیین نمود.

علاوه بر پایایی تک‌تک شاخص‌ها که مناسب بود، پایایی ترکیبی متغیر نهفته توانمندسازی زنان روستایی نیز محاسبه شد و با توجه به اینکه بالای ۰/۶ بود، لذا پایایی متغیر نهفته نیز تایید شده و مشخص شد که ۹۶ درصد از واریانس متغیر نهفته توانمندسازی زنان روستایی از طریق شش متغیر آشکار تبیین شده است توانمندسازی زنان روستایی از طریق شش متغیر آشکار تبیین شده است که میزان تبیین شده بسیار بالایی است. بنابراین نتایج ارزیابی بخش اندازه‌گیری مدل، شواهد قابل قبولی برای اعتبار (روایی) و اعتماد (پایایی) شاخص‌ها برای عملیاتی کردن متغیر نهفته توانمندسازی زنان روستایی ارائه داد(شکل ۱).

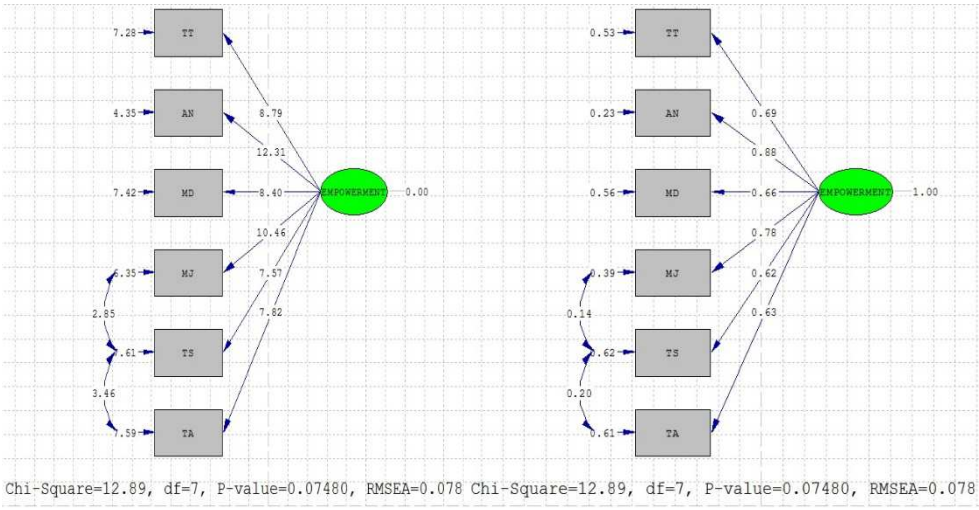

شکل شماره(۱) مقادیر بارهای عاملی استانداردشده

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

توانمندسازی زنان روستایی از شش بعد تشکیل شده که با توجه نتایج تحلیل عاملی تأییدی در بالا، بخوبی متغیر توانمندسازی را تبیین نموده و از اعتبار کافی برخوردار هستند. نتایج حاصل از تأمین مالی خرد زنان روستایی و اثرات آن بر این ابعاد شش‌گانه نشان داد که تأمین مالی خرد بیشترین تأثیر را بر افزایش " توانائی تصمیم‌گیری زنان روستایی " و " اعتماد به نفس زنان روستایی" به ترتیب با ضریب تغییرات ۰/۲۶۹ و ۰/۲۷۷ داشته است. سایر ابعاد توانمندسازی به ترتیب اثرپذیری از تأمین مالی خرد زنان روستایی عبارت از "توانمندی سیاسی و حقوق زنان روستایی"، "موقعیت زنان روستایی در جامعه"، "توانمندی اقتصادی زنان روستایی" و "موقعیت زنان روستایی درون خانواده و روابط آنها با همسر" بودند. به این ترتیب تأمین مالی خرد زنان روستایی کمترین تأثیر را بر روابط درون خانوادگی و روابط زناشویی با همسر و همچنین بهبود وضعیت اقتصادی داشته است. آنچه مشخص است روابط درون خانوادگی و روابط با همسر تحت تأثیر فرهنگ غالب جامعه بوده و چندان تحت تأثیر وضعیت شغلی و اقتصادی هر یک از زوجین بویژه زنان قرار نمی‌گیرد. میانگین اثرگذاری تامین مالی خرد بر ابعاد توانمندسازی نیز بیانگر آن بود که بجز بعد اعتماد به نفس زنان (میانگین بالاتر از ۴ و اثرگذاری در حد زیاد بود)، میانگین کلیه ابعاد توانمندسازی بین ۳ و ۴ قرار داشت که بیانگر اثرگذاری متوسط تامین مالی خرد بر ابعاد توانمندسازی است. به‌همین خاطر میانگین اثرگذاری تامین مالی خرد بر توانمندسازی کل زنان روستایی نیز بالاتر از ۳ و کمتر از۴ بود که نشان داد در جامعه مورد مطالعه، تامین مالی خرد از سوی صندوق‌های مربوطه تا حد متوسطی موجب توانمندسازی زنان روستایی شده است؛ به عبارتی دامنه اثرگذاری نه کم که قابل چشم‌پوشی باشد و نه زیاد که قابل توجه باشد (جدول ۹ و شکل ۲).

جدول شماره(۹) اثرات تأمین مالی خرد بر توانمندسازی زنان روستایی و ابعاد آن

توانمندسازی و ابعاد آن	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	رتبه
توانائی تصمیم‌گیری زنان و تأثیرگذاری بر تصمیم‌های درون خانواده	۳/۹۰	۱/۰۵	۰/۲۶۹	۱
اعتماد به نفس زنان روستایی	۴/۱۱	۱/۱۴	۰/۲۷۷	۲
موقعیت زنان روستایی درون خانواده و روابط آنها با همسر	۳/۴۷	۱/۳۷	۰/۳۹۵	۶
موقعیت زنان روستایی در جامعه	۳/۷۲	۱/۲۲	۰/۳۲۸	۴
توانمندی سیاسی و حقوق زنان روستایی	۳/۵۳	۱/۱۵	۰/۳۲۶	۳
توانمندی اقتصادی زنان روستایی	۳/۲۲	۱/۲۰	۰/۳۷۳	۵
توانمندسازی زنان روستایی	۳/۶۵	۰/۹۱	---	---

دامنه متغیرها: اصلاً (۰)، خیلی کم (۱)، کم (۲)، متوسط (۳)، زیاد (۴) و خیلی زیاد (۵)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

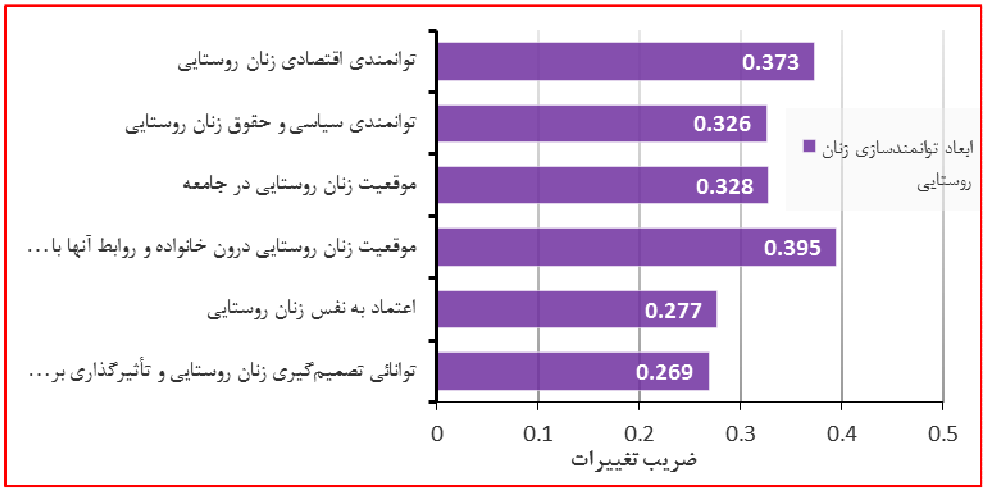

شکل شماره(۲) اولویت‌بندی اثرات تأمین مالی خرد بر توانمندسازی زنان روستایی به تفکیک ابعاد

در این بخش از پژوهش، جهت تعیین رابطه بین متغیرهای ابعاد توانمندسازی با یکدیگر از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شد. نتایج این آزمون نشان داد که همه ابعاد شش‌گانه توانمندسازی با یکدیگر رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح یک درصد ($P < ۰/۰۱$) دارند. به عبارتی یک رابطه مستقیم بین این ابعاد دیده شده به طوری که افزایش هر یک از ابعاد بطور مثال بعد توانمندی اقتصادی، موجب افزایش توانمندی در سایر ابعاد (توانائی تصمیم‌گیری، اعتماد به نفس، موقعیت درون خانواده، موقعیت در جامعه، توانمندی سیاسی) شده که نتیجه این هم‌افزایی، افزایش متغیر توانمندسازی کل زنان روستایی است. بنابراین رشد و بهبود در هریک از ابعاد می‌تواند موجب رشد و بهبود در سایر ابعاد توانمندسازی شود. وجود روابط مستقیم و معنی‌دار بین همه ابعاد بار دیگر اعتبار ابعاد توانمندسازی برای تبیین متغیر توانمندسازی کل را نشان می‌دهد (جدول ۱۰).

جدول شماره(۱۰) رابطه بین ابعاد توانمندسازی با یکدیگر

توانمندسازی و ابعاد آن	توانائی تصمیم‌گیری	اعتماد به نفس	موقعیت درون خانواده	موقعیت در جامعه	توانمندی سیاسی	توانمندی اقتصادی
توانائی تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری بر تصمیم‌های درون خانواده	۱					
اعتماد به نفس زنان روستایی	۰/۶۰۵**	۱				
موقعیت درون خانواده و روابط با همسر	۰/۵۵۳**	۰/۵۷۹**	۱			
موقعیت زنان در جامعه	۰/۴۹۹**	۰/۶۸۲**	۰/۵۱۹**	۱		
توانمندی سیاسی و حقوق زنان	۰/۴۰۶**	۰/۵۴۹**	۰/۳۳۲**	۰/۶۴۲**	۱	
توانمندی اقتصادی زنان روستایی	۰/۳۹۳**	۰/۵۵۸**	۰/۳۲۵**	۰/۵۵۶**	۰/۶۰۴**	۱

** معنی داری در سطح یک درصد

* معنی داری در سطح پنج درصد

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

۵) نتیجه‌گیری

برنامه‌های تأمین مالی خرد یکی از راهبردهای قرن حاضر جهت بهبود وضعیت معیشتی زنان روستایی و افزایش توانمندی آنان است. پژوهش حاضر با هدف شناخت ابعاد توانمندسازی زنان روستایی و تأثیر تأمین مالی خرد بر این ابعاد در استانهای همدان و کرمانشاه در سال ۱۳۹۶ انجام گرفت. نتایج مطالعه نشان داد که اکثریت زنان عضو صندوق‌های تأمین مالی خرد دارای سطح تحصیلات ابتدائی بوده و به شغل خانه‌داری مشغول بودند. منبع درآمد اکثریت آنها قبل از عضویت در این صندوق‌ها از طریق همسر و بعد از عضویت نیز از طریق همسر بوده است؛ لذا اولین نتایج حاکی از آن است که وضعیت اقتصادی و درآمدزایی زنان چندان مناسب نبوده که بتوانند درآمد مستقل داشته باشند. هرچند که نرخ زنان دارای درآمد مستقل بعد از عضویت از ۱۸ به ۳۰ درصد افزایش یافته بود اما بازهم اکثریت وابسته به درآمد همسر بودند. بسیاری از زنان دلیل این امر را در مقدار تامین مالی می‌دانند؛ به‌طوریکه اکثریت از مقدار آن که بطور متوسط حدود ۵۳۰ هزارتومان بود، راضی نبودند زیرا اعتقاد داشتند که این مقدار برای شروع و یا گسترش یک کسب و کار مناسب نیست. از طرفی چون شغل همسر اکثریت زنان نیز کارگری بود، بنابراین پشتوانه مالی مناسبی نیز برای حمایت از مقدار اعتبار دریافتی و گسترش کسب و کار نداشتند و شاید به همین دلیل میزان درآمدزایی و رشد وضعیت اقتصادی آنها زیاد نبوده است. نتایج مطالعه گانله و همکاران (۲۰۱۵) نیز مؤید این موضوع بود زیرا در مطالعه آنها نیز ۹۲ درصد از زنان از کفایت مقدار اعتبارات دریافتی، ابراز نارضایتی کرده و مقدار آنرا برای ایجاد یک کسب و کار درآمدزا کافی ندانسته بودند زیرا مقدار کم این تأمین مالی فرصت برای ورود به کسب و کارهای پر منفعت را کاهش می‌دهد زیرا اکثر این کسب و کارها به سرمایه اولیه بالایی احتیاج دارند.

میزان اثرگذاری تامین مالی خرد بر ابعاد شش‌گانه توانمندسازی زنان روستایی متفاوت بود به طوریکه از بین ابعاد توانمندسازی، بیشترین تأثیر تامین مالی خرد بر بعد " توانائی تصمیم‌گیری زنان روستایی درون خانواده" بود. به عبارتی زنان روستایی دریافت‌کننده اعتبارات خرد بیشترین تأثیر را در افزایش توانایی تصمیم‌گیری خود می دانستند که از بین گویه‌های معرف توانائی تصمیم‌گیری زنان روستایی درون خانواده نیز بیشترین تأثیر تأمین مالی خرد بر تصمیم‌های مربوط به "خرید احتیاجات روزمره خانه مانند خوردنی‌ها " و "دخل و خرج و مدیریت پول در خانه" بود. به عبارتی با تامین مالی خرد، میزان مدیریت زنان درون خانواده افزایش زیادی می یابد اما کمترین تأثیر بر تصمیماتی در مورد "خرید و فروش ملک و املاک " و" ادامه تحصیل دختران" است که نشان می‌دهد مدیریت خارج از خانه تحت هر شرایطی در اختیار مردان بوده و میزان دخالت زنان کمتر است. پس از بعد توانایی تصمیم‌گیری، بیشترین تاثیر تأمین مالی خرد بر "افزایش اعتماد به نفس زنان روستایی" بود به‌طوریکه میانگین اثرگذاری بر کلیه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

جنبه‌ها و گویه‌های این بعد بالاتر از ۴ یعنی در حد زیاد بود در حالیکه در سایر ابعاد این اثرگذاری در حد متوسط بود. زنان روستایی درگیر در برنامه تأمین مالی خرد با افزایش میزان آگاهی نسبت به بازار کسب و کار بویژه کسب و کار خویش، عزت نفس و اعتماد به نفس یافته و حتی در خود توانائی کمک به دیگران برای شروع یا گسترش کسب و کار احساس می کنند. مطالعه بریمانی و همکاران (۱۳۹۱)، نیز مؤید این نتیجه بود که زنان دریافت‌کننده اعتبارات خرد از وضعیت اعتماد به نفس بهتری برخوردار بودند.

در گام بعدی، بعد "توانمندی سیاسی و آگاهی از حق و حقوق در جامعه" بیشترین تأثیر مثبت را از برنامه تأمین مالی خرد برای زنان روستایی داشت. مشخصاً آشنایی زنان با حق و حقوق خودشان در جامعه با شرکت در این برنامه، بیشترین میزان افزایش را داشت که بطور یقین حضور در چنین برنامه‌های و آشنایی با شبکه زنان روستایی توانمند و عضو صندوق باعث می‌شود تا آگاهی نسبت به حق و حقوق در اجتماع بالا برود. از طرفی جامعه نیز به موقعیت اجتماعی چنین زنان و توانائی‌های آنها اعتقاد پیدا می‌کند به‌طوریکه، این دو مورد از جنبه‌های مهم بعد "موقعیت زنان روستایی درون جامعه" است که بیشترین میزان تأثیرپذیری را از برنامه تأمین مالی خرد داشته‌اند. زنانی که عضو صندوق‌های تامین مالی خرد هستند در جامعه احترام بیشتری یافته و توانائی‌های آنها بیشتر نشان داده می‌شود که موجب کسب اعتبار از سوی جامعه برای آنها می‌شود. ابعاد "بهبود وضعیت اقتصادی" و " روابط درون خانواده و روابط با همسر" کمترین میزان تأثیر را نسبت به سایر ابعاد از برنامه تأمین مالی خرد زنان روستایی داشتند. از آنجایی که روابط درون خانواده و نحوه تعامل زن و شوهر در چارچوب نظام فرهنگی یک جامعه شکل می‌گیرد، لذا در جامعه ایرانی، مردان کنترل بیشتری بر رفت و آمد زنان داشتن و تحت هر شرایطی محدودیت‌ها و قیودی در زمینه رفت و آمد زن خارج از خانه و موقعیت یکسان همانند مرد در خانه داشتن، وجود دارد. با توجه به پررنگ بودن این قیود در محیط‌های روستایی نسبت به شهرها، بنابراین حتی با توانمندشدن زنان روستایی نیز این موارد کمترین تأثیرپذیری را داشته و تغییر خاصی نمی‌کند. بعد بهبود اقتصادی نیز همانطور که قبلاً گفته شد بدلیل مقادیر پائین تامین مالی و پشتوانه مالی ضعیف خانواده و همسران زنان روستایی، قدرت درآمدزایی پائینی دارند.

نتایج تحلیل عاملی تأییدی نیز نشان داد که کلیه ابعاد توانمندسازی از اعتبار و اعتماد کافی برای تبیین متغیر توانمندسازی زنان روستایی برخوردار هستند و بعد "اعتماد به نفس زنان روستایی" بالاترین و بعد "توانمندی سیاسی" پائین‌ترین قدرت تبیین‌کنندگی متغیر توانمندسازی زنان روستایی را داشتند. بنابراین هرچقدر میزان اعتماد به نفس زنان روستایی افزایش یابد، میزان توانمندسازی کل زنان روستایی نیز بهبود می‌یابد. از طرفی طبق نتایج همبستگی، کلیه ابعاد توانمندسازی با یکدیگر رابطه مستقیم و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

معنی‌داری داشتند که نشان دهنده قدرت هم‌افزایی این ابعاد است؛ به‌طوریکه با افزایش هر یک از این ابعاد، سایر ابعاد نیز توانمندشده و در نهایت منجر به رشد افزاینده توانمندسازی کل خواهد شد. رحمانی و همکاران (۱۳۸۷)، فقیری و همکاران (۱۳۹۱)، نورایی و سعدی (۱۳۹۳)، کیخاه و همکاران (۱۳۹۴)، سامیان و همکاران (۱۳۹۵)، فاسورانتی (۲۰۱۰)، گاریک پاتیک (۲۰۱۲) نیز نقش برنامه مالی خرد بر توانمندسازی زنان روستایی را مؤثر دانستند. بر اساس نتایج نورایی و سعدی (۱۳۹۳) اعتبارات خرد علاوه بر بعد اقتصادی بر ابعاد تصمیم‌گیری، روابط درون خانواده، موقعیت اجتماعی، اثر مثبت دارد که با نتایج این پژوهش مطابقت دارد.

شاید برای بهبود بعد توانمندی اقتصادی که کمترین میزان اثرگذاری را از این برنامه تأمین مالی داشت، مناسب‌ترین پیشنهاد، افزایش میزان اعتبارات پرداختی و افزایش دوره‌های مهارت‌آموزی باشد زیرا طبق نتایج اکثریت افراد از مقدار تأمین مالی رضایت نداشتند و ثانیاً اکثریت نیز در دوره‌های مهارت آموزی قبل از تأمین مالی مشارکت نداشتند که هر دو مورد زمینه را برای ایجاد و گسترش یک کسب و کار مهیا و قدرت کارآفرینی را افزایش می‌دهد.

۶) منابع

- بریمانی فرامرز، نیک منش زهرا، خداوردی لو سهیلا (۱۳۹۱). **بررسی نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی نمونه موردی: دهستان لکستان شهرستان سلماس**. اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۱، شماره ۱، ۶۹-۸۲

- رحمانی، مریم، علی ربانی و مهدی ادیبی (۱۳۸۷). **نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان: مطالعه موردی روستای پشت بم**. مطالعات زنان سال ۶، شماره ۳، ایران، ص ۱۰۵-۱۳۲.

- روشن نیا، داوود، رقیه خادمی، لیلا کردی و ژیلا صلحی فام اصل. (۱۳۹۴). **بررسی نقش زنان روستایی در توسعه و موانع و محدودیتهای آنان**. ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، شماره ۱۹۰، ایران، ص ۸۲- ۹۸.

- زرافشانی، کیومرث، امیر حسین علی بیگی مژگان فقیری .(۱۳۹۱). **رتبه‌بندی صندوق‌های اعتبارات خرد بر اساس توانمندی زنان روستایی استان کرمانشاه**، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۰، شماره۳، ایران، ص ۱۲۴-۱۰۵.

- سامیان، مسعود، احمد یعقوبی فرانی، خلیل میرزایی، مرجان ابراهیمی و مینو عزیزی. (۱۳۹۵). **اثرات صندوق‌های اعتبار خرد زنان روستایی**. فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، سال هشتم، شماره ۲۹، ایران، ص۶۳-۴۷.

- سواری مسلم، شعبانعلی فمی حسین، شریف‌زاده محمدشریف. (۱۳۹۶). **موانع توسعه اشتغال زنان روستایی در صنایع دستی شهرستان دیواندره**. اقتصاد فضا و توسعه روستایی. سال ۶، شماره ۲۱، ص ۳۶-۱۷.

- شاهرخی ساردو، صالح و آیت الله کرمی (۱۳۹۵). **تحلیل مؤلفه های پیش برنده مشارکت و تأثیر آنها بر عملکرد اقتصادی صندوق اعتبارات خُرد زنان روستایی مورد مطالعه: بخش مرکزی شهرستان جیرفت**. مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، شماره۲، ایران، ص ۱۸۵-۲۱۲.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

- شاه ولی، منصور و عاطفه ملکیان. (۱۳۹۲). **طراحی الگوی ارتباطی و اطلاع رسانی برای توانمندسازی زنان عضو صندوق اعتبارات روستایی لپویی استان فارس با پارادایم توحید محور**. فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۳، ایران، ص ۴۳-۶۸.

- علی توکلی، فاطمه و رضا موحدی (۱۳۹۵). **نقش اعتبارات خرد در توسعه کارآفرینی زنان روستایی**. نشریه کارآفرینی در کشاورزی، جلد سوم، شماره سوم. ایران، ص ۳۹-۵۵.

- عزیزپور فرهاد، خداکرمی زهرا (۱۳۹۴). **اثرات اجتماعی - اقتصادی اعتبارات خرد کشاورزی در نواحی روستایی مورد: دهستان کرسف**. اقتصاد فضا و توسعه روستایی. سال ۴، شماره ۱۳، ص ۶۹-۵۷.

- فقیری، مژگان، کیومرث زرافشانی، و امیر حسین علی بیگی (۱۳۹۳). **بررسی تاثیر صندوق اعتبرات خرد بر توانمندسازی زنان روستایی استان کرمانشاه**. فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۷، شماره ۳، ایران، ص۱-۲۲.

- کیخواه، شیما، عبدالعظیم آجیلی،معصومه فروزانی و عباس عبدالشاهی. (۱۳۹۴). **بررسی نقش صندوق اعتبارات خرد در توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی (موردمطالعه: شهرستان شوش)** .

- https://www.civilica.com/Paper-PDCONF01-.PDCONF01_269.html

- گل محمدی، فرهود، محم کریم معتمد، ، محمدشمسیو امیر دادرس مقدم. (۱۳۹۶). **نقش بازارچه های محلی و روزانه در افزایش رضایت مصرف کنندگان و درآمد تولیدکنندگان محصولات کشاورزی در استانهای گیلان وخراسان جنوبی. سومین کنفراس کنفراس بیین المللی توسعه پایدار، راهکارها و چالش‌ها، تبریز**.

- مافی، فرزانه. (۱۳۸۵). **اعتبارات خرد (ویژگی‌ها، تجارب، ملاحظات، راهبردها)**. مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

- نورائی، منصوره وحشمت الله سعدی.(۱۳۹۳). **صندوقهای اعتبارات خرد و توانمندی زنان روستایی**. همایش زن و توسعه پایدار روستایی، ۲۳مهر ماه ۱۳۹۳، مشهد.

- Fasoranti.M.M, (2010),” **The infiuence of micro-credit on poverty allevition among rural dwellers: Acase study of AKOKO North West Local Government Area of ONDO State**”. Africa journal of Business Management, Volume 4, No. 8, pp.1438-1446.

- Ganle, J.K., Afriyie, K., Segbefia, A.Y. (2015). "**Microcredit: Empowerment and Disempowerment of Rural Women in Ghana**" World Development, 66, 335–345.

- Garikipati, S. (2012). "**Microcredit and Women's Empowerment: Through the Lens of Time-Use Data from Rural India**". Development and Change, Volume 43 No. 8, pp. 719-750.

- Kabeer, N. (2012). "**Women’s economic empowerment and inclusive growth: Labour markets and enterprise development**". International Development Research, Volume 44 No. 8,pp. 1–70 .-Lavoori, V., and - ------ Paramanik, R.N. (2014). "Microfinance impact on women’s decision making: a case study of Andhra Pradesh". Journal of Global Entrepreneurship Research, Volume 4, No. 11, PP. 1-13

- Mason, Karen Oppenheim, and Herbert L. Smith. 2003. "**Women’s Empowerment and Social Context: Results from Five Asian Countries.**"Retrieved 14 August 2008

- (http://siteresources.worldbank.org/INTEMPOWERMENT/Resources/13323_womens_empowerment.pdf).

- Ma Mathison, S. 2003. "**Microfinance and disaster management**". Available on: www.developmentgateway.com. (Retrieved 14 August 2009

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

- Myox, L. (1997). "**The magic ingredient? Micro finance and women's empowerment. A briefing paper prepared for the Micro Credit Summit, Washington: ActionAid UK**". Available

- Pruitt, L. R. (2009). "**Migration, developmet, and the promic of CEDAW for rural woman**". Michign Joumal of Intemational Law, Volume 30 No. 3: PP. 707.

- Sanni, Lekan (2006) "**Comparative Study of Female-Headed Households in the City of Ibadan«. JENdA**." A Journal of Culture and African Women Studies.No8.

- Swaminathan, H. (2010). "**Impact of Access to Credit on Labor Allocation Patterns in Malawi**." World Development Volume 38, No. 4.

- Sudha Rani, K., Uma Devi, D., & Surendra, G. (2002). "**SHGs Microcredit and Empowerment**". Social Welfare, Volume 48, No. 11,PP. 18–22.

- Verma, S. (2016). "**Gender, Agriculture and Sustainable Development in India: Women's Marginalization or Empowerment**." In Third ISA Forum of Sociology (July 10-14, 2016). Isaconf.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]